



ORIGINAL ARTICLE

Received:2023/10/29

Accepted:2024/03/02

Components of Adolescents' Lived Experiences after Their Parents' Divorce: A Qualitative Study

Fatemeh Sadat Tabatabaei (Ph.D.)¹, Kiumars Farahbakhsh (Ph.D.)², Mohammad Hosein Fallah (Ph.D.)³, Saeid Alireza Afshani (Ph.D.)⁴

1.Ph.D Student of Counseling, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

2.Corresponding author: Associate Professor, Department of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: farahbakhsh@atu.ac.ir Phone: 09131154635

3.Associate Professor Department of Psychology and Educational Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

4.Professor Department of Cooperation and Social Welfare, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Abstract

Introduction: Divorce within families has various and often detrimental effects on adolescents, and lack of understanding adolescents' psychosocial experience regarding their parents' divorce is considered an obstacle in employing effective intervention methods. Therefore, the aim of this present study was to investigate and identify the components of adolescents' lived experiences after their parents' divorce in Iran.

Methods: This qualitative exploratory study was conducted using Colaizzi's theory in collecting, conducting, and analyzing the data. To this end, 24 adolescents aged 12 to 18 from Yazd city, who had experienced their parents' divorce, were identified through purposive sampling method, and their information was collected through semi-structured interviews in 2022. It is worth mentioning that all data were recorded, and the sampling continued until data saturation was achieved.

Results: Analysis of the lived experiences of the participants revealed 9 main thematic units out of a total of 126 meaningful units. Subsequently, through integration and linking of the concepts, 3 main themes of positive emotional experiences (calmness and positive adjustment to divorce), negative emotional experiences (anger, fear, guilt, and helplessness), and negative behavioral experiences (changes in family structure and support networks, and personal problems) were inferred, and their related components and concepts were interpreted separately.

Conclusion: After parental divorce, adolescents encounter various positive and negative emotional experiences as well as different negative behavioral experiences. Lack of awareness and timely treatment of these experiences can lead to more severe problems in their mental-social health. . Therefore, it is suggested that therapists interpret life experiences of these people more deeply and provide therapeutic interventions based on the themes obtained from the current research.

Keywords: Divorce, Lived experience, Adolescents, Qualitative study

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest.



This Paper Should be Cited as:

Author: Fatemeh Sadat Tabatabaei, Kiumars Farahbakhsh, Mohammad Hosein Fallah, Saeid Alireza Afshani. Components of Adolescents' Lived Experiences after Their Parents' Divorce:Toloobehdasht Journal. 2024;23(1)51-66 .[Persian]

**بررسی مؤلفه‌های تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین: یک مطالعه کیفی**نویسندگان: فاطمه سادات طباطبایی^۱، کیومرث فرحبخش^۲، محمد حسین فلاح^۳، سید علیرضا افشانی^۴

۱. دانشجوی دکتری رشته مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

تلفن تماس: ۰۹۱۳۱۱۵۴۶۳۵ Email: farahbakhsh@atu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۴. استاد گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

طلوع بهداشت**چکیده**

مقدمه: طلاق در خانواده، تأثیرات مختلف و اغلب مخرب بر روی نوجوانان می‌گذارد و عدم شناخت تجربه روانی-اجتماعی نوجوانان از طلاق والدین، به عنوان مانعی بر سر راه به کارگیری از روش مداخله‌ای کارآمد محسوب می‌شود. از این‌رو، هدف از این پژوهش حاضر بررسی و شناسایی مؤلفه‌های تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین در ایران بود.

روش بررسی: این مطالعه از نوع کیفی و با ماهیت اکتشافی بود که با روش کلایزی به گردآوری، اجرا و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. به همین منظور، ۲۴ نفر از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهرستان یزد که طلاق والدین را تجربه کرده بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند شناسایی نموده و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند اطلاعات آنان در سال ۱۴۰۱ گردآوری شد. لازم به ذکر است که تمامی داده‌ها ثبت و ضبط شدند و نمونه‌گیری تا زمان اشباع ادامه داشت.

یافته‌ها: تحلیل تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان نشان داد از مجموع ۱۲۶ واحد معنایی، نه زیر مضمون به دست آمد. در مرحله بعد، با ادغام و ارتباط بین مفاهیم به ترتیب سه مضمون اصلی تجربه‌های هیجانی مثبت (احساس آرامش و سازگاری مثبت با طلاق)، تجربه‌های هیجانی منفی (احساس‌های خشم، ترس، گناه و درماندگی) و تجربه‌های رفتاری منفی (تغییر ساختار خانواده، تغییر در شبکه‌های حمایتی و مشکلات شخصی) استخراج گردید که به صورت جداگانه، مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با آن به صورت تفسیری بیان شد.

نتیجه‌گیری: نوجوان پس از طلاق والدین، با تجربه‌های هیجانی مثبت و منفی و همچنین تجربه‌های رفتاری منفی مختلفی روبرو می‌شوند که در صورت عدم آگاهی و درمان به موقع آن می‌تواند مشکلات شدیدتری بر روی سلامت روانی-اجتماعی آنان ایجاد نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود که درمان‌گران به تفسیر عمیق‌تر تجارب زندگی این افراد بپردازند و مداخلات درمانی مبتنی بر مضامینی که از پژوهش حاضر به دست آمده است، ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، تجربه زیسته، نوجوانان، مطالعه کیفی

این مقاله، برگرفته از پایان‌نامه دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد است.

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال بیست و سوم

شماره اول

فروردین واردیبهشت

شماره مسلسل: ۱۰۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲



مقدمه

خانواده به عنوان نهاد اجتماعی اساسی، نقش حیاتی در سلامت جامعه ایفا می‌کند و تأثیر زیادی بر تعدادی از مشکلات اجتماعی دارد (۱). با این وجود، یکی از اصلی‌ترین مسائل آسیب خانوادگی، طلاق (Divorce) است (۲). طلاق معمولاً پس از اختلال‌ها و مشکلات در زندگی زناشویی اتفاق افتاده و به معنی به پایان رساندن یک ازدواج و تغییر وضعیت زناشویی زوجین با نظارت قانون شکل می‌گیرد (۳).

عموماً پدیده طلاق در پنج مرحله مختلف روی می‌دهد که شامل ظهور تفکر درباره طلاق، تردید در بودن یا رفتن، تصمیم‌گیری سخت، جدایی و یا متارکه و سپس اقدامات قانونی است (۴). مراحل قانونی طلاق نیز شامل حضانت کودکان، تقسیم دارایی‌ها، تعیین نفقه و تنظیم نحوه دیدار و دسترسی به فرزندان خواهد بود (۱). به نظر می‌رسد نرخ طلاق در ایران نسبت به کشورهای غربی به علت تأثیر ارزش‌های دینی و سنتی بسیار کمتر باشد؛ اما اگر استانداردها و معیارهای ایرانی-اسلامی مورد نظر گرفته شود (که بر اساس آن طلاق را ناپسند می‌دانند)، مشاهده می‌شود که میزان طلاق‌ها در سال‌های اخیر در ایران افزایش یافته است (۵،۶).

بر اساس آمار طلاق، ایران رتبه چهارم طلاق را در جهان دارد. در سال ۲۰۱۹، نرخ طلاق در ایران ۳۱/۵۸ درصد بوده است که به این معنی است که تقریباً از هر سه ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می‌شود (۴). بیشترین نرخ طلاق در ایران ابتدای دوره ازدواج رخ می‌دهد و در بین زنان، ساکنان شهرها و بیکاران نسبت به دیگر افراد بیشتر است. همچنین احتمال تجربه طلاق در افراد با تحصیلات متوسط و دیپلم بیشترین میزان را دارد؛ در

حالی که در سطوح تحصیلی بالاتر و پایین‌تر این احتمال کمتر است. هرچند نسبت افراد مطلقه بی‌سواد از افراد مطلقه باسواد کمتر است (۵). علیرغم وجود محدودیت‌ها و شرایط اجتماعی دشوار و پیچیده‌تر برای زنان (نسبت به مردان) که می‌خواهند طلاق بگیرند، تعداد زنانی که ابتدا درخواست طلاق می‌کنند در شرایط فرهنگی متغیر ایران در حال افزایش است (۴).

غلام‌زاده و همکاران (۶) در یک پژوهش به تجربه زیسته مردان و زنان مطلقه ایرانی در مواجهه با طلاق گزارش دادند که توجه گسترده به نیازها و توانمندسازی زنان و مردان مطلقه پس از جدایی ضروری است تا آنان بتوانند به سازگاری با شرایط پس از جدایی دست پیدا کنند. به باور آنان پس از جدایی سه موضوع اصلی و ۱۲ زیر موضوع شامل ۱- خانواده به عنوان منبع (شامل حمایت عاطفی و حمایت مادی)، ۲- تاب‌آوری فردی (شامل عزاداری، پیوند با معنویت، پذیرش طلاق، حرکت به سوی تعالی، کنترل احساسات) و ۳- تاب‌آوری اجتماعی (شامل رشد فردی، کسب درآمد و استقلال مالی) اهمیت دارد.

در واقع، طلاق والدین یکی از پدیده‌های اجتماعی و روان‌شناختی مهم است که تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی نوجوانان دارد. این پدیده، با تغییراتی در ساختار خانواده و ارتباطات زناشویی همراه است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روند رشد و تجربه زندگی نوجوانان داشته باشد (۵،۷). طلاق حتی می‌تواند تأثیرات مختلفی بر روی سلامت جسمی و روانی والدین و فرزندان داشته باشد. افراد مطلقه ممکن است با کاهش شادی، افسردگی، پرخاشگری، اضطراب و مشکلات اجتماعی مواجه شوند (۷،۸). این درحالی است که فرزندان طلاق نیز با خطرات احتمالی اختلالات رفتاری، کارکرد ضعیف در



کردن پاسخ به سؤال اساسی پژوهش بود که مهمترین تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین چیست؟

روش بررسی

این پژوهش از نوع کیفی و با ماهیت اکتشافی بود که با روش پدیدارشناسی (توصیفی-تفسیری) انجام شد. پدیدارشناسی به معنای مطالعه و توصیف پدیده‌ها در تمامی جنبه‌ها و توضیح آنها با در نظر گرفتن نحوه تجلی آنها، پیش از هرگونه ارزش گذاری، تفسیر و یا ارزیابی ارزشی است. به اصطلاح دیگر اگر پدیدارشناسی را بر حسب معناشناسی بررسی کنیم، معانی و مفاهیمی که در زندگی انسان ظاهر می‌شوند یک نظام معنایی ایجاد می‌کنند. این نظام معنایی با ترکیب وجود در زمان و مکان به وجود آمده و شناسایی این نظام معنایی به عنوان "تجربه زندگی" نامیده انجام می‌شود (۱۴). در ادامه برای بررسی تولید مقوله‌ها و سنجش روابط بین داده‌ها از روش کلایزی (Colaizzi's method) بهره بردیم. روش کلایزی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها دقیق و قوی بوده و اعتبار و پایایی نتایج را تضمین می‌کند. این به محققان اجازه می‌دهد تا موضوعات نوظهور و روابط در هم تنیده آنها را آشکار سازند. پژوهشگرانی که از رویکرد پدیدارشناختی توصیفی استفاده می‌کنند، به کارگیری از روش کلایزی را فرآیندی روشن و منطقی می‌داند که از طریق آن می‌توان ساختار بنیادی یک تجربه زندگی را بررسی نمایند (۱۵). در این روش با استخراج و تولید مقوله‌ها یا روابط خاص می‌توان به تجربه زیسته فرزندان طلاق بهتر دست یافت. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی نوجوانان پسر و دختر فرزند طلاق شهرستان یزد در سال ۱۴۰۱ بود. در پژوهش‌های کیفی به جای حجم نمونه به افراد حاضر در مطالعه

تحصیل، اعتیاد، و مشکلات روانی در آینده روبرو هستند (۹،۱۰). به خصوص دوره نوجوانی که تغییرات بزرگ و کاوش در زندگی روزمره رخ می‌دهد. اضافه شدن طلاق والدین می‌تواند این دوره از درک خواسته‌ها، مسئولیت‌ها و ترجیحات شغلی مادام‌العمر را کمتر پایدار کند. طلاق والدین ساختار خانواده، روال‌ها و عادت‌ها و همچنین روابط و مسئولیت‌های نوجوانان و جوانان را در خانواده‌شان تغییر می‌دهد (۱۱).

در واقع، نوجوانان پس از طلاق والدین خود، چالش‌ها و تغییرات مختلفی را تجربه می‌کنند و ویژگی‌های جمعیت شناختی و اصول زندگی با مادر یا پدر می‌تواند بر تجربیات زیسته آنان تأثیر بگذارد (۱۲). امری و همکاران (۱۳) بر این باورند که طلاق می‌تواند منجر به مشکلات روابط والدین و فرزند، از دست دادن ارتباط با یکی از والدین، درگیری در تعارض والدین و مشکلات اقتصادی شود. با این حال، بیشتر نوجوانان انعطاف‌پذیری نشان می‌دهند و از مشکلات روانی جدی یا پایدار رنج نمی‌برند (۱۳). بر اساس آنچه ذکر شد بررسی تجارب زندگی، عوامل، تأثیرات و پیامدهایی که نوجوانان پس از طلاق والدین خود تجربه می‌کنند، بسیار ضروری بوده زیرا شناخت عمیق‌تری از نیازها و مشکلات این گروه افراد را نمایان می‌سازد و به عنوان ابزاری مؤثر در تدابیر و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و روان‌شناختی برای حمایت از آنها به کار گرفته می‌شود. با توجه به اهمیت این موضوع و کمبود اطلاعات موجود در مورد تجارب زیستی نوجوانان پس از طلاق والدین در ایران، انجام این مطالعه کیفی ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، هدف اصلی این مطالعه ضمن بررسی و شناسایی مؤلفه‌های تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین، پیدا



بدین منظور، ۲۴ نفر از نوجوانانی که طلاق والدین را تجربه کرده بودند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای انتخاب افراد داشتن سن بین ۱۲ تا ۱۸ سال، تجربه طلاق والدین و علاقه و رضایت جهت شرکت در مصاحبه بود. همچنین افرادی که توانایی انتقال مفاهیم طی جریان مصاحبه نداشتند از مطالعه حذف شدند. در جدول ۱، ویژگی جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر آمده است.

"مشارکت‌کننده" گفته می‌شود و برعکس پژوهش‌های کمی، تعداد مشارکت‌کنندگان قابل برآورد نبوده و پژوهشگر تا زمانی که یک تصویر قابل قبول از نظریه خود به دست نیامده، به مصاحبه خود با مشارکت‌کنندگان ادامه می‌دهد. در واقع تا زمان احساس اشباع نظری در مورد مفهوم پدیده مورد بررسی بایستی نمونه‌گیری ادامه یابد تا جایی که با افزایش حجم نمونه، حجم داده‌های افزوده شده چشمگیر نباشد (۱۶، ۱۷).

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان (N=۲۴)

ردیف	اسم	سن	تحصیلات مادر	تحصیلات پدر	تعداد فرزندان	والد حاضر
۱	هستی	۱۳	لیسانس	لیسانس	۲	مادر
۲	یلدا	۱۳	دیپلم	فوق لیسانس	۳	مادر
۳	نازنین	۱۴	لیسانس	لیسانس	۲	مادر
۴	کیمیا	۱۶	لیسانس	فوق لیسانس	۲	مادر
۵	آندیا	۱۲	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۱	مادر
۶	مرسانا	۱۷	دیپلم	فوق لیسانس	۱	پدر
۷	یگانه	۱۵	لیسانس	لیسانس	۲	پدر
۸	یسنا	۱۵	دیپلم	سیکل	۲	مادر
۹	ریحانه	۱۲	دیپلم	لیسانس	۱	مادر
۱۰	فاطمه	۱۸	دیپلم	دیپلم	۲	مادر
۱۱	ثنا	۱۳	فوق لیسانس	دکتر	۱	مادر
۱۲	زهرا	۱۴	دکتر	لیسانس	۲	پدر
۱۳	نگین	۱۶	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۱	مادر
۱۴	علیرضا	۱۷	لیسانس	لیسانس	۲	پدر
۱۵	محمدرضا	۱۷	فوق لیسانس	لیسانس	۲	پدر
۱۶	رضا	۱۵	فوق لیسانس	لیسانس	۱	مادر
۱۷	حسین	۱۴	لیسانس	سیکل	۳	مادر
۱۸	سهیل	۱۶	دیپلم	لیسانس	۲	پدر
۱۹	وحید	۱۶	دیپلم	فوق لیسانس	۱	مادر
۲۱	امید	۱۲	فوق لیسانس	دیپلم	۱	پدر
۲۲	امین	۱۸	لیسانس	لیسانس	۱	مادر
۲۳	محمد	۱۲	لیسانس	دیپلم	۲	پدر
۲۴	مرتضی	۱۵	لیسانس	دیپلم	۳	پدر



"عدم توافق" شناخته شدند. در نهایت، ضریب کاپای کوهن به مقدار ۰/۷۸ به دست آمد که نشان‌دهنده ثبات قابل توجه کدگذاری بین دو ارزیاب بود.

لازم به ذکر است پژوهشگر اصلی تحقیق تمام تلاش خود را به کار گرفت تا تحقیق با رعایت اصول اخلاقی مانند کسب رضایت آگاهانه از نوجوانان با تجربه طلاق والدین جهت شرکت در فرایند پژوهش و تلاش برای حفظ شأن و عزت نفس مصاحبه‌شوندگان در طی مصاحبه انجام شود.

همچنین توضیحات لازم درباره موضوع پژوهش، اهداف، اهمیت و نحوه اجرای تحقیق، کسب اجازه برای ثبت و ضبط صدا و پرسیدن سؤالات بدون جهت‌گیری و اعمال نظر آزاد از سوی مشارکت‌کنندگان نیز مدنظر گرفته شد.

یافته‌ها

در ابتدا برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها مشارکت‌کنندگان با استخراج مفاهیم اساسی از پاسخ‌ها با استفاده از کدگذاری باز انجام شده و سپس بر اساس شباهت‌ها، مقولات اصلی مشخص شدند. عناوین استخراج شده از میان مفاهیم بیرون کشیده و شامل تجربه زندگی فرزندان در فرآیند جدایی و پس از آن بودند. همچنین گزاره‌های حمایت‌کننده نیز ارائه شدند. از این گردآوری داده‌ها درباره تجربیات فرزندان در مسیر طلاق به این شکل ارائه می‌گردد. مطابق با جدول ۲ نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۱۲۶ واحد معنایی، نه زیرمضمون به دست آمده که با ادغام و ارتباط بین مفاهیم به ترتیب سه مضمون اصلی با دو بعد هیجانی مثبت و منفی و نیز یک بعد رفتاری منفی تجربه زیسته نوجوانان را پس از طلاق بیان می‌کند. در ادامه به توضیح درباره هر کدام می‌پردازیم.

در پژوهش کیفی، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، خود محقق است. او اطلاعات خود را از طریق مصاحبه‌ها و مشاهده نزدیک افراد مورد مطالعه جمع‌آوری می‌کند.

در این تحقیق که از رویکرد اکتشافی (توصیفی-تفسیری) استفاده شد، اطلاعات از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شدند. سؤالات این مصاحبه‌ها توسط سه اساتید روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی یزد مورد تأیید قرار گرفت. این مصاحبه‌ها با کسب رضایت مشارکت‌کننده ثبت و ضبط می‌شد و با سؤالات باز شروع می‌شد.

همچنین مصاحبه‌ها به صورت فردی انجام می‌شوند تا مشارکت‌کننده در جلساتی آرام و محرمانه تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارد. در برخی موارد نیز، مشاهده به عنوان روش مکمل به کار گرفته شد، زیرا اندکی از مشارکت‌کنندگان اطلاعات خود را حفظ کرده و یا قادر به بازگویی کامل آنها نبودند. در روش مشاهده، نگاه هدفمند، رعایت چهارچوب نظری و داشتن سؤالات تحقیقی معین اهمیت دارد (۱۸).

برای ارزیابی قابلیت اعتماد (Trustworthiness) تحقیق، ابتدا روایی با بررسی نظرات پژوهشگران این تحقیق ارزیابی شد. سپس نتایج پژوهش به سه مشارکت‌کننده ارائه شد تا نظریه پژوهش را بررسی و بازبینی کنند. در برخی موارد متن و تحلیل‌ها اصلاح و تغییر یافت. در نهایت یک توافق و تأیید نهایی برای مدل کلی تحقیق انجام شد.

برای اطمینان پایایی از روش توافق درون موضوعی (از دو کدگذار) استفاده شد. بدین ترتیب هر کدام از مصاحبه‌ها توسط دو داور مستقل کدگذاری شدند و در صورت تطابق در تعیین کدها به عنوان "توافق" و در غیر این صورت به عنوان



جدول ۲: مؤلفه‌های استخراج شده از تجربه زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین

مضمون اصلی	زیر مضمون‌ها	واحد معنایی	فراوانی
تجربه‌های هیجانی مثبت	احساس آرامش	آرامش در روند زندگی ثبات بیشتر در زندگی ارتباط خوب با والد سرپرست پذیرش واقعیت گذشت زمان دریافت خدمات مشاوره‌ای	۲۹
	سازگاری مثبت با طلاق		
تجربه‌های هیجانی منفی	احساس خشم	ناراحتی از والدین دخالت اطرافیان به خصوص نزدیکان کینه و عصبانیت نسبت به والدین غایب ترس از رهاشدگی	۵۳
	احساس ترس	ترس از قضاوت دیگران ترس از افشا شدن حقیقت خود سرزنشگری	
	احساس گناه	منفی نگری احساس ناامنی ناتوانی در کنترل شرایط انکار و عدم حل مشکلات تظاهر به فراموشی و عادی سازی	
	احساس درماندگی		
تجربه‌های رفتاری منفی	تغییر ساختار خانواده	خانواده تک والدی تغییر ناگهانی نقش فرزندان تغییرات اقتصادی	۴۴
	تغییر در شبکه‌های حمایتی	دوستان اقوام افت تحصیلی سلامتی جسمی مشکلات روحی-روانی	
	مشکلات شخصی		

۱- تجربه هیجانی مثبت: این تجربه شامل زیر مضمون‌هایی نظیر "احساس آرامش" و "سازگاری مثبت با طلاق" است که با گذشت زمان و رهایی از زندگی تنش‌زا قبلی به دست می‌آید. نوجوانان پس از طلاق به خاطر تنش‌های جسمی و روانی در شرایط قبلی، اغلب احساس آرامش می‌کنند. تنش‌های مداوم بر روی هیچ فردی خوب نیست و افراد سالم تلاش می‌کنند تا از این موقعیت خارج شوند. اگر والدین در طولانی مدت بحث و جدل داشته باشند، طلاق می‌تواند فرصتی برای آرامش روانی خودشان و فرزندانشان فراهم نماید تا در محیطی سالم نفس بکشند و از تنش‌های روابط پیشین راحت شوند. از سوی دیگر،

رویه‌های هیجانی مثبت: این تجربه شامل زیر مضمون‌هایی نظیر "احساس آرامش" و "سازگاری مثبت با طلاق" است که با گذشت زمان و رهایی از زندگی تنش‌زا قبلی به دست می‌آید. نوجوانان پس از طلاق به خاطر تنش‌های جسمی و روانی در شرایط قبلی، اغلب احساس آرامش می‌کنند. تنش‌های مداوم بر



خیلی داره. منم سعی می‌کنم دختر خوبی براش باشم و درکش کنم.»

علیرضا ۱۷ ساله درباره "پذیرش واقعیت" می‌گوید: «طلاق و جدایی بین والدینم اتفاق افتاده و قرار نیست چیزی درست شود. من سعی می‌کنم به جای حسرت و ناراحتی، شرایط زندگیم را بپذیرم، روی خودم تمرکز کنم و خودم رو برای بهتر کردن سازگار بدم.»

یلدا ۱۳ ساله درباره "گذشت زمان" می‌گوید: «طلاق و جدایی یه جوریه هست که هرچی ازش بگذره، درد آدم کمتر میشه و نسبت بهش عادت می‌کنیم.»

نگین ۱۶ ساله درباره "دریافت خدمات مشاوره" می‌گوید «مشاوره خیلی به من کمک کرد چون پدر و مادرم من رو خیلی درگیر مسائل خودشون بودند و من علاوه بر غم طلاقشون باید غصه اختلافاتشونم هم می‌خوردم. بعد از گرفتن کمک از مشاور خیلی زندگی برام بهتر شد.»

۲- تجربه هیجانی منفی: این تجربه شامل زیر مضمون‌هایی نظیر "احساس خشم"، "احساس ترس"، "احساس گناه" و "احساس درماندگی" است که با اتفاقات تلخ از رهایی و جداشدن از والدین به دست می‌آید. نوجوانان طلاق واکنش‌های متنوعی نسبت به جدایی والدین خود ابراز می‌کنند اما عمدتاً خشم به عنوان یکی از احساسات شایع در این موقعیت مشاهده می‌شود. این احساس خشم به دلیل تغییرات بزرگی که در زندگی آنها اتفاق افتاده و نیازها و آرزوهایشان که به چالش کشیده شده‌اند، پدیدار می‌شود. نوجوانان اغلب تصور می‌کنند که تمام این تغییرات ناخوشایند و مشکلات ناشی از آنها به دلیل طلاق والدینشان ایجاد شده و بنابراین احساس خشم و نارضایتی در

اثرات طلاق بر روی فرزندان به عوامل متعددی از جمله سن و تجربه شخصی فرزند، شرایط طلاق و پشتوانه حمایتی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، وابسته است. برخی از نوجوانان ممکن است به سادگی به طلاق والدینشان سازگار شوند و حتی به عنوان یک فرصت برای فرار از تنش‌ها و ناسازگاری‌ها در خانواده نگاه کنند. اما برخی دیگر ممکن است از عواقب روانی و اجتماعی طلاق رنج ببرند.

به طور کلی، حمایت روانی و اجتماعی مناسب از سوی والدین و اطرافیان می‌تواند به تسهیل فرآیند سازگاری نوجوانان با طلاق والدین کمک کند و از تأثیرات منفی طلاق بر روی رشد و پیشرفت آنها کاسته شود. در زیر، به برخی از گزاره‌هایی معنایی نوجوانان درباره تجربه‌های هیجانی مثبت اشاره می‌شود.

الف) احساس آرامش

کمیا ۱۶ ساله درباره "آرامش در روند زندگی" می‌گوید: «من با طلاق پدر و مادرم مشکلی ندارم، تازه برعکس خوشحالم از اینکه دیگه دعوا تو خونمون سر چیزای کوچیک تموم شده و از کتک خوردن مادرم دیگه خبری نیست. الان با آرامشی بیشتری روند تحصیلی و کارهایم را ادامه می‌دهم.»

رضا ۱۵ ساله درباره "ثبات در زندگی" می‌گوید: «بعد طلاق با اینکه ناراحت بودم اما از اینکه از دعواها و تنش‌های بین پدر و مادرم کاسته شده، احساس راحتی و خوبی دارم. شاید خود طلاق بد باشه اما آرام بودن خونه و ثباتش خیلی حس خوبی داره.»

ب) سازگاری مثبت با طلاق

فاطمه ۱۸ ساله درباره "ارتباط خوب با والد سرپرست" می‌گوید: «مادرم از محبت برامون هیچی کم نمی‌زاره و همامو



پدرم مرده باشه یا زنده فرقی نمی‌کنه. اون فقط به فکر خودشه اگر توانایی داشتم یه کاری می‌کردم که هیچ نسبتی باهاش نداشته باشم.»

(ب) احساس ترس

ریحانه ۱۲ ساله درباره "ترس از رهاشدگی" می‌گوید «هرکسی ممکنه یه روزی بزار و بره. کسی که از خون خودم بود منو ول کرد و رفت از بقیه چه انتظاری میشه داشت. همه به فکر خودشون و کسی قرار نیست به خاطر من کاری بکنه.»

نازنین ۱۴ ساله درباره "ترس از قضاوت" می‌گوید: «تو فرهنگ ما دخترها بیشتر پسر در معرض قضاوت هستن مطمئنم اگر پسر بودم انقدر از جدایی والدینم احساس بدی نداشتم.»

امین ۱۸ ساله درباره "ترس از افشا شدن حقیقت" می‌گوید: «احساس خوبی ندارم از اینکه کسی متوجه شود من بچه طلاقمو از اینکه پشت سرم حرف بزنن و فکر بدی بکنند یا ازم دوری کنند، خیلی ناراحت میشم.»

(ج) احساس گناه

ریحانه ۱۲ ساله درباره "خود سرزنشگری" می‌گوید: «دوست دارم تو خونه باشم، اگر دوستانم بفهمن من بچه طلاقم، من خودم را نمی‌بخشم، مادرم که از پس مخارجم بر نیامد، خودمو سرزنش می‌کنم چون گناه داره و داره سختی می‌کشه.»

امین ۱۸ ساله درباره "منفی‌نگری" می‌گوید: «وقتی به این فکر می‌کنم کسی که من از خون خودش بودم بهم پشت کرده دیگه به کی میشه اعتماد کرد هرکسی برای نفع خودش به آدم نزدیک میشه.»

رضا ۱۵ ساله درباره "احساس ناامنی" می‌گوید: «شرایط زندگی ما خیلی موقتی هست، نمیتونیم روش سرمایه‌گذاری بکنیم از

آنان شکل می‌گیرد. این احساس خشم ممکن است در نتیجه نفرت مختلف و با شدت‌های متفاوت، در مراحل مختلف زندگی فرزندان نسبت به طلاق باقی بماند. از سوی دیگر یکی از احساسات شایع در فرزندان طلاق، ترس از رها شدن توسط والدین یا دیگران است.

نوجوانان زمانی که به نادیده گرفته شدن خود توسط والدین فکر کنند؛ افکار، احساسات منفی و ناامنی در آنها ایجاد می‌شود و در نهایت به وابستگی بیمارگونه به یکی از والدین منجر شود. به علاوه فرزندان طلاق به دلیل عدم حضور یکی از والدین و فشارهای اضافی که بر والد حاضر تحمیل می‌شود، احساس گناه بیشتری می‌کنند. گاهی به خاطر طلاق والدین، خود را سرزنش می‌کنند و گاهی به علت فشارهایی که بر والد حاضر وارد می‌شود، خود را مقصر می‌دانند. این عوامل باعث ایجاد عذاب وجدان و احساسات درماندگی در نوجوانان می‌شود. در زیر، به گزارشی از گزاره‌هایی معنایی نوجوانان درباره تجربه‌های هیجانی منفی اشاره می‌شود.

(الف) احساس خشم

ثنا ۱۳ ساله درباره "ناراحتی از والدین" می‌گوید: «پدرم آدم خوبی نبود، اما بدگویی مادرم از پدرم باعث شده بیشتر از پدرم بدم بیاد. اگر مادرم از پدرم کمتر بدگویی می‌کرد، منم میتونستم ببخشمش.»

محمد ۱۲ ساله درباره "دخالت اطرافیان" می‌گوید: «دایی‌ام خیلی تو زندگی ما دخالت می‌کردند، مدام به مادرم می‌گفتند شوهرت اعتماد داره و لیاقت تو رو نداره. چرا داری خودت رو حروم می‌کنی مادرمم آخرش گول همین حرفا رو خورد.»

حسین ۱۴ ساله درباره "کینه و عصبانیت" می‌گوید: «برای من،



والدی" در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه می‌شود. این شرایط از نظر تربیتی، روانی و عاطفی فرزندان این خانواده‌ها تأثیرگذار است. بعد از طلاق، شبکه حمایتی نیز ممکن است تغییر کند یا حتی بخشی از آن را به دلایل مختلف از دست دهد.

به عنوان مثال افراد ممکن است به علت جدایی از یکی از والدین، حمایت از آن والد را از دست بدهند یا به دلیل نظرات و قضاوت‌های مختلف در مورد طلاق، حمایت بستگان و دوستان خود را از دست بدهند. این مشکلات می‌تواند تأثیرات منفی روی رشد، پیشرفت و آینده نوجوانان داشته باشد. برای مثال نوجوانان ممکن است احساس ناتوانی، عدم پایداری در زندگی خود و حتی کاهش درآمد خانواده را تجربه کنند. این تغییرات به عنوان یک منبع تنش و نارضایتی باعث ایجاد مشکلات روانی و اجتماعی برای آنها می‌شود. در زیر، به برخی از گزاره‌هایی معنایی نوجوانان درباره تجربه‌های هیجانی مثبت اشاره می‌شود.

الف) تغییر شکل خانواده

ثنا ۱۳ ساله درباره "خانواده تک والدی" می‌گوید: «مادرم به خاطر وضعیت اقتصادی و هزینه‌های بالا مجبوره زیاد کار کنه. من درکش می‌کنم اما نبودنش خیلی برام سخته چون تنها همدم مادرمه.»

وحید ۱۶ ساله درباره "تغییر ناگهانی نقش فرزند" می‌گوید: «شرایط زندگی من باعث شد زود بزرگ بشم، زود همه چیو بفهمم و سرکار برم. سنم شاید زیاد نباشه اما تجربه باعث شده بزرگتر از سنم بفهمم.»

مرتضی ۱۵ ساله درباره "شرایط اقتصادی" می‌گوید: «اوایل جدایی سر بار دیگران به خصوص پدر بزرگم بودیم و وضعمون

نظر مالی مشکل داریم هر روز باید استرس افزایش اجاره‌ها رو داشته باشیم، تو این شرایط من چطور میتونم رو آینده‌ام حساب کنم.»

د) احساس درماندگی

محمد ۱۲ ساله درباره "ناتوانی در کنترل شرایط" می‌گوید: «با طلاق پدر و مادرا فرزندان واقعاً بی پناه می‌شن. احساس بدیه چون هیچ کنترلی روی شرایط نداریم و هیچ کاری نمیشه کرد. هیچ کس به حرف تو گوش نمی‌ده»

امین ۱۸ ساله درباره "انکار و عدم حل مشکلات" می‌گوید: «توی روند طلاق ما واقعاً نمیتونیم کاری بکنیم، فقط میتونیم بشینیم غصه بخوریم و گاهی هم بی تفاوتی در پیش می‌گیریم چون کاری از دستمون بر نیامد»

زهرا ۱۴ ساله درباره "تظاهر به فراموشی و عادی سازی" می‌گوید: «بابت طلاق والدینم هیچ کاری از دستم بر نمی‌آمد، الان پس از سه سال دارم فراموش می‌کنم و انگار الان زندگی برای عادی شده و سعی می‌کنم باور کنم که این داستان از اول اتفاق نیفتاده بود»

۳- تجربه رفتاری منفی: این تجربه شامل زیر مضمون‌هایی نظیر "تغییر ساختار خانواده"، "تغییر در شبکه‌های حمایتی" و "مشکلات شخصی" است که نوجوانان پس از طلاق والدین با آن روبرو می‌شوند. تغییر ساختار خانواده در ذهن نوجوانان با مفهوم هم‌پاشیدگی و عدم ثبات خانواده مطابقت دارد. هنگامی که فاصله فیزیکی فرزند با والدین خود در غیاب حضانت افزایش می‌یابد، احساس هم‌گسیختگی و شکستن چارچوب خانواده در ذهن نوجوانان تقویت می‌شود. تغییرات در ساختار و نظام خانواده منجر به ایجاد نوعی واحد به نام "خانواده تک



این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی مؤلفه‌های تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین در ایران انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که از مجموع ۱۲۶ واحد معنایی تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان نه زیر مضمون به دست آمد که به ترتیب در سه مضمون اصلی تجربه‌های هیجانی مثبت (احساس آرامش و سازگاری مثبت با طلاق)، تجربه‌های هیجانی منفی (احساس‌های خشم، ترس، گناه و درماندگی) و تجربه‌های رفتاری منفی (تغییر ساختار خانواده، تغییر در شبکه‌های حمایتی و مشکلات شخصی) طبقه‌بندی شدند.

نتایج ابتدایی پژوهش نشان می‌دهد که برخی از نوجوانانی که در خانواده‌هایی با طلاق والدین بزرگ شده‌اند، معمولاً به دلیل مواجه شدن با اتفاقات قبلی بین والدین، از نظر روانی و عاطفی بهتر آماده می‌شوند. آن‌ها به دلیل شناخت بهتر از وضعیت خانوادگی و دلایل طلاق، ممکن است درک عمیق‌تری از رفتارها و برخوردهای ناشایست و شخصیت ناسالم والدین به دست آورند. از این‌رو، آنان با داشتن آگاهی بیشتر از مسائل خانوادگی راحت‌تر با موقعیت طلاق والدین خود کنار آمده و سازگاری پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر آنان با شناخت عمیق‌تری از وضعیت خود و والدین، احساس آرامش خاطری بیشتری کرده، نسبت به موقعیت‌های جدید سازگاری پیدا نموده و رویکردهای سازنده‌تری برای آینده خود تنظیم می‌کنند.

در پژوهشی Hartman و همکاران (۱۱) بر روی شش نوجوان ۱۰ تا ۲۰ سال که طلاق والدین تجربه کرده بودند، نشان دادند مضامین اصلی تجربه زیستی در این نوجوانان شامل مقابله از طریق استفاده از شغل، تغییر نقش‌ها و مسئولیت‌ها پس از طلاق، حمایت در دسترس شرکت‌کنندگان و از سوی شرکت‌کنندگان

اصلاً خوب نبود تا کم کم تونستیم جای دیگه‌ای اجاره کنیم و مستقل بشیم.»

ب) تغییر در شبکه‌های حمایتی
سهیل ۱۶ ساله درباره "شبکه‌های اجتماعی" می‌گوید: «من حرفامو فقط به دوستم که خیلی بهم نزدیکه گفتم یکی دیگه از دوستانم هست که مثل منه درک میکنه شرایطم رو اونم میدونه ولی به هیچ کس دیگه نگفتم در مورد شرایط زندگیم چون اصلاً دوست ندارم پشت سرم حرف بزنند.»

حسین ۱۴ ساله درباره "اقوام" می‌گوید: «از اقوام و فامیل خبری ندارم. چندباری مهمونی گرفتن و ما رو دعوت نکردن یعنی ما شنیدیم مهمونی بوده ولی کسی به ما نگفته دیگه کم کم ارتباطمون با فامیل محو شد چه فامیل پدری چه مادری.»

ج) مشکلات شخصی
یگانه ۱۵ ساله درباره "افت تحصیلی" می‌گوید: «قبل از این طلاق پدر و مادرم درس خوب و معدلم بالا بود. ولی بعد طلاقشون از نظر روحی نمیتونم زیاد تمرکز کنم، زیاد فکر می‌کنم باعث شده نمراتم افت پیدا کنه.»

یسنا ۱۵ ساله درباره "سلامتی" می‌گوید: «بعد از جدایی بابا و مادرم، میگرن گرفتم اوایل سردردهای خیلی بدی می‌شدم بعداً دکتر تشخیص میگرن داد حالا قرص مصرف می‌کنم که میگرنم شدید نشه»

هستی ۱۳ ساله درباره "مشکلات روحی-روانی" می‌گوید: «بعد از طلاق پدر و مادرم خودم رو باختم خیلی روحیه‌ام رو از دست دادم هم‌هاش آهنگ‌های غمگین گوش میدم، گریه می‌کنم، فیلم‌های غمناک می‌بینم و اصلاً دست خودم نیست.»

بحث و نتیجه گیری



در نتایج مشابهی Zamani-Zarchi و همکاران (۱۹) با هدف بررسی تجربه زیستی فرزندان طلاق در زمینی تجارب هیجانی ۲۴ نفر از نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله با استفاده از روش پدیدارشناسی کلایزی نشان دادند سه زیر مضمون خشم و تنفر، ترس و احساس بی پناهی نشان دهنده تجارب زیسته هیجانی مشارکت کنندگان بود که هر یک از آنان به صورت مجزا، مؤلفه‌های و واحدهای معنایی هیجانی منفی در نوجوانان به شمار می‌رفت. در پژوهش دیگری Livingstone (۲۰) درباره ارزش تجربه زیسته در موضوع طلاق والدین، به بررسی تجربیات مثبت و منفی شرکت کنندگان درباره طلاق والدین پرداختند که نشان دهنده ماهیت ذهنی، منحصر به فرد و عمیقاً شخصی آنان بود. نتایج با رویکرد پدیدارشناسی نشان داد سه موضوع اصلی پس از طلاق شامل تضاد و سردرگمی درونی، تغییر در طول زمان و پذیرش است. موضوع پذیرش نیز به دو مضمون فرعی پذیرش به خاطر صلح و ادامه همین زندگی طبقه‌بندی شد. در تبیین این نتایج باید اذعان داشت طلاق والدین تقریباً همیشه برای نوجوانان تجربه بسیار دشواری است، چه طلاق در جوانی و چه در دوران نوجوانی رخ داده باشد. طلاق همچنین باعث ایجاد یک سری تغییرات دشوار در زندگی خانوادگی می‌شود که اغلب شامل روابط آشفته والدین-فرزند، از دست دادن ارتباط با یکی از والدین، درگیری در تعارض والدین و مشکلات اقتصادی است. با وجود عوامل استرس‌زای فراوان، اکثر کودکان در مواجهه با طلاق والدین خود انعطاف‌پذیر هستند، یعنی از مشکلات روانی جدی و پایدار رنج نمی‌برند. با این حال تاب‌آوری آسیب‌ناپذیر نیست، زیرا طلاق یک خاطره دردناک باقی می‌ماند و روابط خانوادگی آشفته می‌تواند نگرانی‌های

بود. در حالی که این مفاهیم با ادبیات فعلی در مورد طلاق والدین مطابقت دارد، استفاده از یک شغل مناسب می‌تواند به درک عمیق‌تری از مشارکت معنادار در زندگی پیرامون طلاق و جدایی والدین و چگونگی تأثیرگذاری زندگی روزمره نوجوانان مؤثر باشد.

تبیین این نتایج نشان می‌دهد نوجوان پس از طلاق والدین، با تجربه احساسی و رفتاری مختلفی روبرو می‌شوند که در برخی موارد می‌تواند بر روی سلامت روانی آنان تأثیر بگذارد. بنابراین لازم است درمان‌گران به تفسیر عمیق‌تر تجارب زندگی این افراد بپردازند و مداخلات درمانی مبتنی بر مضامینی که از پژوهش حاضر به دست آمده است، ارائه دهند. در این راستا نتایج همسو با پژوهش‌های پیشین است.

دیگر نتایج پژوهش حاکی از آن بود که برخی از نوجوانان خانواده‌های طلاق، ممکن است تجربه‌های هیجانی منفی متعددی را تجربه کنند. این تجربه‌های منفی شامل احساساتی مانند خشم، احساس گناه، ترس و یا درماندگی است. این احساسات معمولاً نسبت به والدین غایب یا افراد مهم دیگری که در فرایند جدایی و حتی در دوره‌هایی که والدینشان سرپرست هستند، مشاهده می‌شود. دلایل این تجربه‌های منفی می‌تواند متنوع باشد.

به عنوان مثال، احساس فراموشی از سوی والدین، ناامیدی از ارتباطات خانوادگی ناپایدار یا عدم حمایت کافی از طرف والدین می‌تواند عواملی باشند که این تجربه‌های منفی را تشدید می‌کنند. این تجربه‌های منفی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روانی و اجتماعی نوجوانان داشته باشد و ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آینده به شکل آسیب جدی برای آنان منجر شود.



فرزندآوری و تصور آنها از آینده در سطح معناداری تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، نوجوانان پس از طلاق والدین حمایت اجتماعی بسیار بیشتری را از دوستان خود نسبت به سایر منابع حمایتی دریافت می‌کنند.

در پژوهشی Roizblatt و همکاران (۲۱) به بررسی ارتباط بین طلاق والدین و مستی نوجوانان و نقش احساسات نوجوانان نسبت به والدین در ۳۶۹۴ دانش‌آموز مدارس ابتدایی از چندین شهر در اسلواکی (میانگین سنی ۱۴/۳، ۰/۴۹ مرد، نرخ پاسخ ۰/۹۳) پرداختند. پاسخ‌دهندگان پرسشنامه‌هایی را در مورد اینکه در ۴ هفته گذشته چقدر مست بوده‌اند، اینکه آیا والدینشان طلاق گرفته‌اند و معیاری برای سنجش احساساتشان نسبت به والدین خود تکمیل نمودند. مشخص شد که طلاق والدین بر مستی نوجوانان در ماه قبل تأثیر داشت، همان‌طور که میزان بالای احساسات منفی و پایین احساسات مثبت نسبت به هر دو والدین بود.

اگر برای تأثیر نوجوان نسبت به پدر تنظیم شود، تأثیر طلاق بر مستی به شدت کاهش یافت. دیگر یافته‌های نشان داد که مشارکت مثبت پدر پس از طلاق ممکن است یک عامل محافظتی با توجه به احتمال بیشتر مستی نوجوانان در خانواده‌های مطلقه باشد. در تبیین این نتایج لازم است بدانیم که تجربه طلاق والدین برای نوجوانان می‌تواند یکی از رخدادهایی باشد که تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی آنها دارد. این تأثیرات ممکن است در ابعاد مختلفی از زندگی نوجوانان نمایان شود از جمله ابعاد رفتاری، احساسی، اجتماعی، و روانشناختی. مواجهه با طلاق والدین می‌تواند باعث تغییرات ناخواسته در ساختار خانواده شود. برای مثال، جدایی والدین ممکن است باعث شود

مداومی را برای نوجوانان ایجاد کند. مسائل مربوط به نوجوانان شامل استقلال بیش از حد، مسئولیت بیش از حد (به ویژه برای مراقبت از نیازهای عاطفی والدین) و نگرانی در مورد روابط صمیمی خود است (۱۳).

کودکانی که والدینشان اخیراً طلاق گرفته‌اند و کودکانی که در خانواده‌هایی با والدینی زندگی می‌کنند که سطح بالایی از درگیری را پس از جدایی تجربه می‌کنند، نیاز به توجه ویژه دارند (۲۲). دیگر نتایج پژوهش نشان داد که نوجوانان پس از مواجهه با طلاق والدین، تحت تأثیرات رفتارهای منفی مختلفی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، تغییراتی در ساختار جدید خانواده به وجود می‌آید ممکن است باعث ناپایداری و عدم امنیت در زندگی نوجوانان شود. همچنین، این تغییرات ممکن است شبکه‌های حمایتی نوجوانان را عوض نموده و به نوعی از حمایت آنان در جمع همسالان بکاهد. علاوه بر این، مواجهه با طلاق والدین می‌تواند منجر به مشکلات شخصی عمیقی برای نوجوانان شود که ممکن است ناشی از استرس، اضطراب، یا افسردگی باشد.

به عنوان مثال، Özdemir (۱۲) در پژوهشی بروی ۱۰۶ نوجوان ۱۶ تا ۲۵ ساله در آنکارا (ترکیه) نشان داد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر سن، جنس و سطح تحصیلات نوجوانانی که والدین آنها طلاق گرفته‌اند، در سطوح مختلفی بر آگاهی آنان تأثیر می‌گذارد. همچنین نشان می‌دهد که نوجوانانی که پس از طلاق با مادر خود زندگی می‌کنند، نسبت به نوجوانانی که با پدرشان زندگی می‌کنند، مشکلات کمتری را تجربه کرده‌اند. با توجه به سبک زندگی کنونی آزمودنی‌ها، دیدگاه نوجوانان در رابطه با جنس مخالف، تمرکز بر ازدواج و



پس از طلاق والدین بر عهده دارند. همچنین تغییر ساختار خانواده، تغییر در شبکه‌های حمایتی و مشکلات شخصی جزو مؤلفه‌های کلیدی تجربه‌های رفتاری منفی در این نوجوان به شمار می‌آید. توجه به مؤلفه‌های نامبرده می‌تواند راهگشای ارزیابی و طراحی مداخلات لازم برای نوجوانان پس از طلاق توسط روان‌شناسان و مشاوران خانواده باشد. از این رو، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده به طراحی پروتکل آموزشی و درمانی مؤلفه‌های تجربه زیستی نوجوانان طلاق برای روان‌شناسان و مشاوران توجه گردد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر با کد IR.IAU.YAZD.REC.1402.057 در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی یزد با اخذ به ثبت رسیده است.

سهم نویسندگان

فاطمه سادات طباطبایی: انجام مصاحبه و گردآوری داده‌ها

کیومرث فرحبخش: تجزیه و تحلیل داده‌ها

محمد حسین فلاح: طراحی پژوهش

سید علیرضا افشانی: گردآوری منابع

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تایید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته اند.

حمایت مالی

برای انجام این پژوهش هیچ گونه حمایت مالی دریافت نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

که نوجوان با یکی از والدین خود زندگی کند و از حضور دائمی یکی از والدین محروم شود، که این می‌تواند به آسیب رابطه نوجوان با والدین و حتی با خودش منجر شود.

علاوه بر این، تغییرات در شبکه‌های حمایتی نیز از جمله نتایج مهمی از طلاق والدین برای نوجوانان است. اغلب پس از طلاق، شبکه حمایتی نوجوان ممکن است کاهش یابد و او احساس تنهایی و عدم حمایت کافی کند. این امر می‌تواند منجر به افزایش استرس و اضطراب در نوجوانان شود و باعث شود که آنها احساس انزوا و عدم تعلق به جامعه خود را تجربه کنند. بنابراین تجربه طلاق والدین می‌تواند به عنوان یک رویداد مهم و بارز در زندگی نوجوانان مطرح شود که تأثیرات بسیاری بر روند رشد و تجربه زندگی آنها دارد.

در انتها لازم به ذکر است در پژوهش حاضر تلاش بر این شد تا مصاحبه‌ها با اصول اخلاقی انجام شود و تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط دو کدگذار محقق مورد بررسی مجدد قرار گیرد و داده‌ها به دقت مؤلفه‌های اصلی را مورد کاوش قرار دهند، اما از محدودیت‌های نظیر عدم استفاده از حجم نمونه بزرگ‌تر و استفاده از نمونه‌های سایر شهرهای دیگر ایران بود. لذا در تعمیم‌دهی نتایج این پژوهش با دیگر شهرها لازم است جنبه احتیاط صورت گیرد.

در نهایت این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌های تجارب زیسته نوجوانان پس از طلاق والدین انجام شد. اطلاعات به دست آمده از روش پدیدارشناسی با مصاحبه‌های نیمه ساختارمند نشان می‌دهد که متغیرهای احساس آرامش و سازگاری مثبت با طلاق و نیز احساس خشم، احساس ترس، احساس گناه و درماندگی نقش مهم و کلیدی در تجربیات هیجانی مثبت و منفی نوجوانان



تقدیر و تشکر

اسلامی یزد و نوجوانانی که در امر پژوهش به آنان یاری

رسانیده‌اند، کمال تشکر و سپاس‌گزاری دارند.

بر حسب وظیفه، نویسندگان این پژوهش از دانشگاه آزاد

References

- 1-Damari B, Masoudi Farid H, Hajebi A & et al. Divorce Indices, Causes, and Implemented Interventions in Iran. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2022;28(1):76-89.
2. Azimi Rasta M, Abedzade M. Study of the factors affecting divorce among couples in the family. *Sociological Studied of Iran*. 2013;3(10):31-46.
3. Kalantari A, Roshanfekar P, Javaheri J. Three Decades of Researches about “Divorce Causes” in Iran: A Review. *Women's Strategic Studies*. 2011;14(53):129-62.
- 4-Jaberi S, Etemadi O, Fatehizade M & et al. Iranian women’s divorce style: A qualitative study. *Family process*. 2022;61(1):436-50.
- 5-Askari-Nodoushan A, Shams Ghahfarokhi M, Shams Ghahfarokhi F. An analysis of the socioeconomic characteristics of divorce in Iran. *Strategic Research on Social Problems in Iran*. 2019;8(2):1-16.
6. Gholamzadeh Jofreh M, Sodani M. Lived Experience of Iranian Women and Men’s Adjustment to Divorce: A Qualitative Study. *Journal of Counseling Research*. 2022;21(82):5-31.
- 7-Amato PR. The consequences of divorce for adults and children: An update. *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pitanja*. 2014;23(1):5-24.
- 8-Haimi M, Lerner A. The impact of parental separation and divorce on the health status of children, and the ways to improve it. *Journal of Clinical & Medical Genomics*. 2016;4(1):1-7.
- 9-Roizblatt S, Leiva FV, Maida SA. Parents separation or divorce. Potential effects on children and recommendations to parents and pediatricians. *Revista chilena de pediatria*. 2018;89(2):166-72.
- 10-Dowling E, Barnes GG. Working with children and parents through separation and divorce: the changing lives of children: Bloomsbury Publishing; 2020.
- 11-Hartman L, Mandich A, Magalhães L & et al. Young adults’ experiences of parental divorce or separation during their adolescence: An occupational perspective. *Journal of occupational science*. 2016;23(2):234-44.
- 12-Özdemir U. An evaluation of adolescents from divorced families. *Vulnerable Children and Youth Studies*. 2007;2(3):227-31.



- 13-Emery R, Beam C, Rowen J. Adolescents' Experience of Parental Divorce. *Encyclopedia of Adolescence*. 2011;10-7.
- 14-Emami Sigaroodi A, Dehghan Nayeri N, Rahnavard Z & et al. Qualitative research methodology: phenomenology. *Journal of holistic nursing and midwifery*. 2012;22(2):56-63.
- 15-Wirihana L, Welch A, Williamson M & et al. Using Colaizzi's method of data analysis to explore the experiences of nurse academics teaching on satellite campuses. *Nurse Researcher*. 2018;25(4):30-4.
- 16-Habibi A, Jalalnia R. *Phenomenology approach*. Tehran: Narvan; 2022.
- 17-Rastgar-Agah M. Statistical strategies for objectifying theoretical saturation in qualitative studies. *Quarterly fo educational measuremen*. 2023;Painting.
- 18-Mohammadi B. *An introduction to qualitative research methods*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.; 2014.
- 19-Zamani-Zarchi MS, Gholamali LM, Ejei J & et al. A phenomenological study of emotional experiences of children with divorced parents. *Journal of research in psychological health*. 2018;12(1):24-36.
- 20-Livingstone P. *Exploring experiences of parental divorce in childhood using semi-structured interviews and Interpretative Phenomenological Analysis*. Manchester Metropolitan University. 2019:1-17.
- 21-Tomcikova Z, Madarasova Geckova A & et al. Parental divorce, adolescents' feelings toward parents and drunkenness in adolescents. *European addiction research*. 2011;17(3):113-8.
22. Johnsen IO, Litland AS, Hallström IK. Living in two worlds—children's experiences after their parents' divorce—a qualitative study. *Journal of pediatric nursing*. 2018;43:e44-e51.